

علاوه، باید به این مطلب توجه شود که اصلاح ساختارهای مالی و عملیاتی شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی مشمول واگذاری که از شرایط مالی مناسبی بهره نمی‌برند، نیاز به سرمایه‌گذاری مولد هنگفتی دارد که برای ترمیم آنها نمی‌توان تنها به وجود دریافتی یا دریافتی حاصل از فروش سهام یا واگذاری تدریجی سایر شرکت‌ها و بنگاه‌های دولتی دل بست، بلکه مابه‌التفاوت وجوه لازم برای اصلاح ساختارهای ضروری می‌بایستی از طریق اخذ وام‌هایی با بهره ارزان یا حتی بلاعوض از شبکه بانکی کشور پرداخت شود. با توجه به مشکلات حال حاضر شبکه بانکی کشور، چاره‌ای جز اخذ وام‌های ارزی بلند مدت از طریق صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی باقی نمی‌ماند که پیشنهاد می‌شود بازپرداخت اقساط این وام‌های ارزی با مشارکت شرکت واگذار شده از محل مزاد صندوق ذخیره ارزی یا بخشی از درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت و گاز در سنوات آتی، از طریق درج در ردیف‌های بودجه عمرانی دولت در نظر گرفته شود.

البته نکته مهم آن است که اگر تشخیص داده شود فعالیت شرکت یا بنگاه دولتی کم‌بازده و زیان‌ده، فاقد مزیت نسبی یا مطلق در نظام بی‌طرفانه تقسیم بین‌المللی کار است، دیگر نیازی به اصلاح ساختارهای مالی و عملیاتی این نوع از شرکت‌ها نبوده، بلکه باید به سرعت از طریق مراجع قضایی حکم توقف فعالیت آنها صادر شود. در این خصوص باید در قانون ضد انحصار، مواد قانونی در خصوص شکستن انحصار مدیریت فرآیند خصوصی سازی توسط کارگزاران هیأت حاکمه لحاظ گردد و سهم مؤثر و قابل ملاحظه‌ای از مدیریت این فرآیند به بخش خصوصی واگذار شود. البته باید در قانون ضد انحصار پیش‌بینی شود که خصوصی سازی موجب انحصارات بخش خصوصی نشود، زیرا انحصارات بخش خصوصی، به مراتب خطرناک‌تر از انحصار دولتی است.

نکته دیگری که در فرآیند خصوصی سازی باید بدان توجه شود آن است که چون این امر، به نوعی انتقال قدرت اقتصادی و به تبع آن سیاسی را در بر دارد، یک پارادوکس عملیاتی و مدیریتی در فرآیند خصوصی ایجاد می‌شود، چرا که بخش دولتی عملاً قاطعیت مدیریتی لازم را برای این برش واگذاری مالکیتی - که توأم با انتقال مدیریت و تصدی‌گری و در نتیجه انتقال سهمی از قدرت اقتصادی و به تبع آن سیاسی به بخش خصوصی است - ندارد. در نتیجه مدیریت فرآیند خصوصی سازی باید با مشارکت مؤثر و فعال بخش خصوصی کارآفرین، کارآمد و متخصص انجام گیرد.

### راه درمان

کارآفرینان و بخش خصوصی در صحنه حال حاضر اقتصاد ایران، کوچک، ضعیف، وابسته به بخش‌های دولتی و ناتوان از رقابت با سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی-عمومی

و رقبای پُر قدرت خارجی هستند. برای خصوصی سازی حقیقی که تنها راه نجات اقتصاد کشورمان از بسیاری از معضلات و بیماری‌های مزمن اقتصادی است، بخش خصوصی باید این مجوز را داشته باشد که در بخش‌های بالا دستی و صنایع مادر همچون اکتشاف و استخراج نفت و گاز، با بخش دولتی مشارکت مؤثر و جدی داشته باشد.

در راستای جذب سرمایه‌گذاران خارجی، باید موانع سرمایه‌گذاری را رفع کنیم که عمده‌ترین این موانع، مشکلات قانونی‌اند. نارسایی‌های موجود در قوانین و مقررات کشورمان باعث شده کارآفرینان بین‌المللی نیز

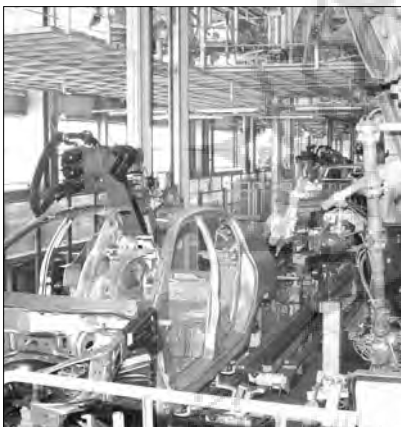
### حضور بخش خصوصی در اقتصاد

## گاماس گاماس!

چشم‌انداز روشنی از سرمایه‌گذاری در ایران نداشته باشند. وجود برخی ابهامات در بعضی از اصول قانون اساسی نظیر اصول ۴۴، ۸۱ و ۱۳۹ از این جمله‌اند. سرمایه‌گذاران بین‌المللی تمایل دارند قوانین استاندارد جهانی را در کشور سرمایه‌پذیر مشاهده کنند. علاوه بر این، عمده سرمایه‌گذاران خارجی علاقه‌مندند یک نهاد بین‌المللی بی‌طرف اختلافات آنها را حل و فصل کند، در صورتی که اصل ۱۳۹ قانون اساسی، بیشتر تمایل به قوانین دادگاه‌های ملی دارد تا بین‌المللی محدودیت‌های دیگری همچون قانون کار و مالیات‌ها، بخش دیگری از مشکلات قانونی سرمایه‌پذیری و سرمایه‌گذاری در کشور به شمار می‌روند. ■

### انتقادات به روند واگذاری‌هایی که طی سال‌های گذشته صورت گرفته فراوان است، اما حضور بخش خصوصی واقعی در آینده اقتصاد قطعی است.

طول سال‌های اخیر، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی گوناگونی تحت عناوین متفاوت و به روش‌های مختلف به بخش خصوصی واگذار شده‌اند و اگر چه به سبک و سیاق این واگذاری‌ها انتقاداتی صورت می‌گیرد، اما پیدایش همین عزم می‌تواند نقطه امید برای افزایش قدرت بخش خصوصی و کاهش سلطه دولت بر اقتصاد



پس از انقلاب و با وقوع جنگ تحمیلی، به دلیل ضرورت‌هایی که در آن مقطع وجود داشت، حجم دولت افزایش چشمگیری پیدا کرد تا از این طریق، اقتصاد و جامعه در برابر تهدیدهای احتمالی، به اصطلاح "سر سلامت" عبور کنند.

تأمین نیازهای اساسی خانوار، حمایت از تولید کننده

در قبال تهدیدهای خارجی و همچنین تغییر رویکرد جوامع بین‌المللی در خصوص ایران که نتیجه آن خروج گسترده سرمایه از کشور بود، از جمله این ضرورت‌ها بودند. اما پس از این توفیق نسبی و در حالی که از شدت تهدیدات خارجی کاسته شد، معضل دیگری به وجود آمد که حاصل از گستردگی بیش از حد دولت در اقتصاد بود. این گستردگی - از آنجا که تحلیل هزینه به فایده در عملکرد اقتصادی دولت، ضعیف است - سبب شد امروز شاهد دولتی کم‌بازده، اما بزرگ در اقتصاد باشیم که طی سال‌های گذشته انتقادات فراوانی از سوی اقتصاددانان داخلی متوجه این مطلب شده است. با توجه به این امر، چهار پنج سالی می‌شود که تفکر دولت بزرگ در اندیشه مسئولان کشوری، کمی کم‌رنگ شده و به موازات آن شاهد رواج واگذاری امور اقتصادی به بخش خصوصی هستیم. تأسیس سازمان خصوصی سازی زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی، از نتایج این تغییر نگرش به حساب می‌آید. در

کشور باشد.

بر اساس گزارش سازمان خصوصی سازی، در طول ۱۹ سال واگذاری پس از انقلاب (سال‌های ۷۰ تا پایان ۸۸) مجموع ارزش واگذاری‌های صورت گرفته بیش از ۷۰۰ هزار میلیارد ریال بوده که نزدیک به ۹۵ درصد این واگذاری‌ها، از سال ۸۵ به بعد صورت گرفته‌اند. در این بین، روند خصوصی سازی سال ۸۶ با رقمی در حدود ۲۳۳ هزار و ۶۰۹ میلیارد ریال، بیشترین حجم واگذاری‌ها را که ۵۸/۱۸ درصد کل واگذاری‌ها می‌باشد، به خود اختصاص داده است. همچنین بر اساس گزارش دیگری از واحد مطالعات، برنامه‌ریزی و آمار سازمان خصوصی سازی، در پایان سال ۸۸ تعداد ۳۹ میلیارد و ۶۶۱ میلیون و ۶۲۱ هزار و ۶۸۳ سهم به ارزش ۱۰۸ میلیون و ۲۸۶ هزار و ۱۳۶ میلیون ریال به تفکیک تدریجی، ترجیحی، بلوکی و بابت رد دیون از سوی دولت به بخش خصوصی واگذار شده است. نکته قابل توجه این است که رقمی بالغ بر ۹۱ میلیون

و ۱۰۰ هزار و ۲۶ میلیون ریال از این واگذاری‌ها (یعنی ۸۴ درصد از کل ارزش) از طریق بازار سرمایه واگذار شده است که این مسأله امیدهای بسیاری را در راستای توسعه بازار سرمایه و بخش خصوصی واقعی پدید می‌آورد.

### موانع را از سر راه برداریم

در کنار اقداماتی که در راستای خصوصی سازی صورت پذیرفته، وجود برخی مشکلات، موانعی را برای توسعه بخش خصوصی در کشور ایجاد کرده است. یکی از این موارد، مسأله قیمت‌گذاری سهام است که به دلیل تخصیص و زمان‌بر بودن آن، سبب شده شاهد سرعت عمل کافی در واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی به بخش خصوصی نباشیم. علاوه بر این، نوع و وضعیت ساختاری هر شرکت مشمول واگذاری که برای ارزش‌گذاری سهام باید مورد بررسی قرار گیرد، از دیگر مشکلات پیش روی خصوصی سازی در کشور به شمار می‌رود. علاوه بر این، برخی مشکلات در بازار سرمایه، روند خصوصی سازی را با مشکلاتی مواجه کرده که فقدان شفافیت اطلاعات یکی از آن موارد است. در عین حال، افزایش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس که ناخودآگاه به افزایش شفافیت اطلاعاتی در بازار سرمایه می‌انجامد، می‌تواند روند توسعه بازار سرمایه و خصوصی سازی را در کشور بهبود بخشد. برای این منظور، پیشنهاد می‌کنیم مشوق‌هایی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در نظر گرفته شود تا دیگر شرکت‌ها هم به عرضه سهام خود در بورس علاقمند شوند. در این رابطه، تخصیص منابع مالی ارزان‌تر، با بهره پایین برای شرکت‌های پذیرفته شده، می‌تواند به عنوان یکی از راهکارها گزینش شود.

### عرضه‌هایی که به بورس جان بخشیدند

در خلال واگذاری‌هایی که در سال‌های گذشته صورت گرفتند، برخی از واگذاری‌ها حال و هوای خاصی را به بازار سرمایه بخشیدند. عرضه سهام شرکت حفاری شمال که پای بخش بالا دستی را به بورس باز کرد، یکی از اقدامات و عرضه‌های مهم سال ۸۸ به شمار می‌رود؛ به طوری که این شرکت با عرضه ۴۳۱ میلیون و ۱۸ هزار و ۶۵۱ سهم به ارزش ۶۷۱ هزار و ۷۲۵ میلیون ریال، نقش برجسته‌ای را در این مهم ایفا نمود. بانک‌های تجارت و صادرات که به ترتیب ۳ میلیون و ۵۳۹ هزار و ۶۹۲ میلیون ریال و ۴ میلیون و ۴۳۲ هزار و ۴۸۴ میلیون ریال ارزش داشتند، از دیگر واگذاری‌های مهم مربوط به اصل ۴۴ در بازار سرمایه، در سال گذشته به شمار می‌روند.

علاوه بر این، عرضه سهام شرکت فولاد خوزستان و خرید عمده سهم آن توسط بخش خصوصی حقیقی از دیگر اقدامات مهم سازمان خصوصی سازی بوده که البته طبق گفته مسؤلان سازمان خصوصی سازی، به دلیل عمل نکردن خریدار به تعهدهای خویش در قبال پرداخت اقساط خرید، یکی از بزرگترین معاملات سال‌های گذشته ابطال

### بازار سرمایه، خصوصی سازی و تأثیرات متقابل آنها

## "مشکلات، فرابورسی هستند"

### گفت‌وگویی «اقتصاد ایران» با دکتر حسن قالیباف اصل، مدیر عامل شرکت بورس و اوراق بهادار تهران

شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مانند اینها انجام می‌دهد.

اقتصاد ایران: اما در کشورهای دیگر، صندوق‌های بازنشستگی و موارد مشابه، برگرفته از نهادهای مردمی هستند و دولت در تعیین هیأت مدیره آنها دخالتی نمی‌کند؟



اقتصاد ایران: آقای دکتر! سهام‌داران اصلی بورس با توجه به تفکیک بخش خصوصی و شبه دولتی‌ها چه کسانی هستند؟

طبق آمارهای که در اواسط سال ۸۸ گرفته شده و این آمار در حال حاضر با تفاوت جدی مواجه نیست، شرکت‌های سرمایه‌گذاری با حدود ۲۵/۵ درصد، صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی ۱۶ درصد، دولت و نهادهای دولتی ۱۶/۵ درصد، بانک‌های دولتی و غیردولتی ۴ درصد، تعاونی‌ها یک درصد، اشخاص حقیقی ۲۱ درصد و سهام عدالت هم با سهمی معادل ۱۶ درصد، سهام‌داران اصلی بازار سرمایه را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، ۷۹ درصد بازار در اختیار حقوقی‌ها و ۲۱ درصد در اختیار افراد حقیقی است.

از نظر بازار سرمایه،

واگذاری‌های صورت گرفته منعی ندارند و کاملاً منطبق بر اصول بازار هستند. مسأله‌ای هم که شما گفتید، به سازوکار خارج از بازار سرمایه برمی‌گردد و نقص بازار سرمایه نیست. البته حرف شما را هم قبول دارم و انتظار می‌رفت بیش از این شاهد توسعه بخش خصوصی در کشور می‌بودیم. فکر می‌کنم با اصلاح ساختاری شرکت‌ها در آینده این مشکل برطرف شود.

اقتصاد ایران: با توجه به مواردی که فرمودید، مشخص می‌شود که همچنان شاهد حضور پُررنگ دولت در اقتصاد هستیم؟

البته در تمام دنیا صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بازنشستگی، تأمین اجتماعی و مانند آن همچون کشورمان در بازار سرمایه فراوان هستند. مثلاً در ژاپن، سهم سرمایه‌گذار حقوقی ۷۹ درصد بوده و مابقی را سهم سرمایه‌گذار حقیقی تشکیل می‌دهد. دلیل این امر آن است که سرمایه‌گذار حقیقی نمی‌تواند به صورت مستقیم وارد سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه شود و این کار را با بهره‌مندی از

اقتصاد ایران: آیا با واگذاری‌هایی که به سرعت طی سال‌های قبل صورت گرفته، نقش بخش خصوصی در اقتصاد پُررنگ‌تر شده یا برعکس بخش خصوصی بیشتر به حاشیه رانده شده است؟

به نظر من باید حوزه بازار سرمایه را با خارج از آن تفکیک کرد. شما مقایسه‌ای کنید بین شرکت‌هایی که در بازار سرمایه خصوصی سازی می‌شوند و آنهایی که در خارج از بازار سرمایه خصوصی می‌شوند. شرکت‌ها در بازار سرمایه، باید